هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ نزدهم شنبه ۲۰ میزان ۱۳۸۷ - ۱۰ شوال المکرم ۱٤۲۹ - 11- October 2008

سرمقاله

مذاکره باید راه حل پایدار، عادلانه وهمه جانبه را به دنبال بیاورد
ص۲

سرنخ در کجاست؟
ص۲

وضعیت زنان افغانستان و راهکارهای چند برای بهبودی آن
ص۷

افغانستان به کدام یک نیاز دارد
دیکتاتوری یا عدالت؟

واقف حکیمی



امروز سفیر بریتانیا فلسفهٔ حضور نیروهای خارجی در افغانستان و همه تلاش های جامعهٔ جهانی از جمله کشور خودش را دگرگون بلکه معکوس می خواند و راه چیره شدن به مشکلات را دست یافتن به یک "دیکتاتور قابل قبول" معرفی می کند.

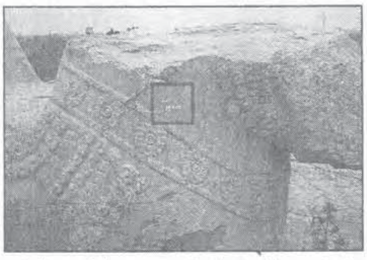
***

آنچه بحران را می تواند در افغانستان پایان بخشد نه دیکتاتوری بلکه یک نظام دموکراسی راستین است که بر عدالت و برادری و برابری استوار و با فرهنگ و ارزشهای دینی جامعهٔ افغانستان هماهنگی داشته باشد.

سفیربریتانیا در کابل آقای شرارد کوپر کولز برای پایان دادن به بحران افغانستان گزینهٔ "دیکتاتور قابل قبول" را پیشنهاد کرده است، او این مطلب را بر پایهٔ نوشتهٔ روزنامهٔ تایمز چاپ لندن در شمارهٔ ۲ اکتوبر در یک گفتگوی دیپلوماتیک با معاون سفیر فرانسه در کابل به تاریخ ۲ سپتامبر اظهار داشته و از کانال های دیپلوماتیک به مطبوعات درز کرده است. هرچند گزارش این طرح مبنی بر اظهارات آقای کولز از سوی برخی از منابع وزارت خارجهٔ بریتانیا" اغراق آمیز" خوانده شده است که می خواهند به گونه یی عدم دقیق بودن آن را نشان بدهند، چون این طرح با وجدان جمعی جامعهٔ برتانیا و فلسفهٔ سیاسی آن در تضاد است. اما با توجه به جزئیاتی که در گزارش تایمز آمده است واعتبار منبع آن که نه یک گزارش رسانه یی بلکه یک گزارش محرم دیپلوماتیک، روایت آقای فرانسوا فیتو معاون سفیر فرانسه در کابل از گفتگویش با سفیر بریتانیا معرفی شده است کمتر در وثوق و جدی بودن آن می توان تردید کرد. **ادامه درص**

سرقت آثار باستانی نگران کننده است

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل



با گذشت هرسال به جای تغییرات مثبت، ما شاهد بدتر شدن اوضاع کشور می باشیم که یک نمونهٔ بارز آن دراین ماه های اخیر، وقوع یک سلسله سرقت های آثار باستانی، قاچاق و حفریات خود سرانه از سوی برخی از افراد در مناطق باستانی، مزارات زیارت گاه ها .... وغیره می باشد، ایام الدین اجمل آمر آبدات تاریخی هرات گفته است که ظرف دو ماه اخیر شش مورد از این سرقت ها را در هرات ثبت نموده است و این احتمال وجود دارد که نظر به گستردگی ساحات باستانی در هرات ممکن موارد بیشتری از این سرقت ها رخداده باشد، ۴ مورد از این سرقت ها مربوط می شود به سنگ های منقش تزئینی و تاریخی مزارات هرات که در نتیجهٔ کندن کاری بدست سارقین افتاده است، به قول این منبع مسؤول بسیاری از این سرقت ها از سوی افراد مسلح صورت گرفته است. **ادامه درص۴**



نگاهی به آهنگ ترویج مسیحیت در جهان

آسیای میانه یکی از هدف هاست

***

دعوت اسلامی با چالش های بزرگی مواجه می باشد، با نیرومند شدن، گرایش های عوامگرایانه تبلیغی و طریقتی که متمسک به برداشت های سطحی و گزینشی و توده یی از اسلام می باشند، ترویج اسلام معتدل را تحت فشار قرار داده است

***

مسیحت در کشورهای آسیای مانند هندو کوریای جنوبی درحال گسترش چشمگیراست، در هند هر از گاهی از مسیحی شدن دسته جمعی روستا ها و شهرک های هندوان اخباری پخش می شود
ص۳



آیا تولستوی مسلمان شوی و؟

***

څه چې دلته راوړل کیږي هغه د تولستوی مشوره یوې مورته ده چې دوه زامن یې مسلمان شوي دي. تولستوی ورته په مشورې او ځواب کې لومړی د اسلام او مسیحیت ترمنځ پرتله وړاندې کوي او وروسته بیا مسلمان شویو زامنوته مبارکي وایي.

***

څرنګه چې روسیه هم د تزار په وخت کې او هم له بلشویکي بدلون نه وروسته له اسلام سره په ټکرکې او نو د تولستوی ددې کتاب خپراوي ګران کار او په ځانګړې توګه د کمونستانو د ځواکمنۍ په دوران کې د دوې امکان میسر نه و چې دا حقیقت بر بنډ شي چې تولستوي مسلمان شوی و.
۴مخ

پشت پردهٔ مذاکرات با طالبان



حقیقت امر این است که از مدت ها قبل آقای کرزی از پادشاه عربستان سعودی تقاضای میانجیگری میان طالبان و دولت او را نموده بود ولی این تلاش ها به این دلیل به جایی نرسید که هر دو طرف پیش شرط های خود شان را داشتند. طالبان خواهان تعیین یک تقسیم اوقات برای خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان شده بودند و مذاکرات در موارد دیگر را منوط به این مسأله ساختند. در مقابل حکومت افغانستان از طالبان می خواست که در قدم اول باید قانون اساسی افغانستان و نظام سیاسی موجود را به رسمیت بشناسند
ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

مذاکره باید راه حل پایدار، عادلانه وهمه جانبه را به دنبال بیاورد

از چندی بدین سو آوازهٔ مذاکره دولت با طالبان، در رسانه های داخلی و جهانی منتشر می شود. ظاهرا این مذاکرات با اشتراک فرستادگان دولت و چند تن از اعضای سابق گروه طالبان که اکنون در کابل اقامت دارند با میزبانی و وساطت دولت عربستان سعودی بر گزار گردیده است.

اما این مذاکرات تا هنوز در هالهٔ از ابهام قرار داشته و در مورد آن اظهارات مبهم و ضد ونقیضی از سوی سخنگویان دولت و مخالفان عنوان گردیده است. رئیس جمهورآقای کرزی چند روز قبل برگزاری چنین مذاکراتی را تکذیب کرد، وزیر خارجه و سخنگوی ریاست جمهوری نیز انجام چنین گفتگو را تایید نکردند، اما برخلاف رد این خبر از سوی رهبران دولت، اکنون با استناد اطلاعات موثق تایید شده است که، از چندی بدین سو مذاکراتی میان دولت و طالبان در عربستان سعودی در جریان می باشد.

در پیوند با مذاکره با نیروهای مخالف دولت، موضع گیری جمعیت اسلامی افغانستان این است که مذاکره و راه حل سیاسی بهترین و یگانه ترین راه حل مشکل کشور می باشد، ایجاد ثبات وصلح و نجات وطن و مردم از جنگ و پی آمد های ناگواران، جز با تن دادن به تحمل و همدیگرپذیری و روی کردن به صلح و آشتی هیچگاه بدست نمی آید، این رویکرد استراتژی همیشه گی جمعیت اسلامی افغانستان می باشد، در گذشته نیز با پیروی از این استراتژی، در جهت ایجاد تفاهم میان گروه های سیاسی و قومی جامعه افغانستان تلاش های خویش را جهت داده است. چنانچه در زمان حکومت مجاهدین که رهبری آن را استاد برهان الدین ربانی، به عهده داشت، ایشان جهت مذاکره با گروه های مخالف به ولایات کشورمانند جلال آباد و چندین کشور خارجی رفتند و تلاش های پیگیر و همه جانبه مانند اجلاس هرات را جهت ایجاد و وفاق ملی و شریک ساختن همه گروه ها در ساختار قدرت برگزار نمود، پس از روی کار آمدن طالبان نیز، رویکرد اصلی جمعیت جهت حل بحران گزینهٔ گفتگو و راه حل سیاسی بود، چنانچه در برگزاری جلسات عشق آباد، اسلام آباد و تاشکند و جاه های دیگر نقش عمده ایفانمود. برگزاری و موفقیت اجلاس بن نیز در نتیجه علاقمندی جمعیت به راه حل سیاسی میسرگردید.

اما جمعیت در مذاکرات و گفتگوها، همیشه به دنبال یافتن راه حل پایدار وعادلانه و همه جانبه می باشد. این هدف ها زمانی تحقق می یابد که کلیه گروه های سیاسی و قومی جامعه افغانستان در ایجاد راه حل نقش داشته باشند.

از جانب دیگر هدف گفتگو و مصالحه باید رسیدن به ره یافت پایدار بحران کشور باشد، و روی مسایل گذرا و منافع گروهی صورت نگیرد. چون چنین راه حل های بجای آنکه به بحران پایان دهد برای مدتی آن را خاموش می سازد و باز در زمان دیگر، زبانه می کشد و کشور را در میان شعله های خویش فرو می برد.

همچنان مذاکره و راه حل باید واقعیت ها و مناسبات جهانی و منطقه یی را در نظر بگیرد و میان مصالح حیاتی افغانستان و منافع قدرت های بین المللی و کشورهای همسایه توازن ایجاد کند. اما به هیچ وجه مصالح اساسی کشور مورد معامله قرار نگیرد. باید به این حقیقت اذعان نمود که از سه دهه به این سو که کشور با بحران دست وگریبان است، دست قدرت های بزرگ جهانی، منطقه یی و کشورهای همسایه دست اندرکار بوده است، تازمانی که این دست ها برای حل بحران کارنکنند، چشم اندازی مثبت برای حل بحران وجود ندارد.

سیاست گفتگو و مصالحه بر بنای چنین راه کارهای می تواند به حل بحران مزمن کنونی بینجامد وطبعیتاً همه گروه ها و مردم افغانستان از آن حمایت خواهندکرد.

سر نخ در کجاست؟

فدا محمد فایض

آوردن اسامه بن لادن از سودان به افغانستان در اواخر زمامداری مجاهدین و بعد ها او را مهمان ساختن طالبان خود معمایی بود که فکر می کنم نزد اهل نظر اکنون آن حالت معمایی خود را از دست داده باشد، اعلان تشکل القاعده در افغانستان و بعدها پذیرفتن مسؤولیت حوادث یازده سپتامبر در حالی که بیشترین کار شناسان غرب را عقیده بر آن بود که این کار کار خود امریکاست و دلایل خود را هم ارایه کرده بودند

جهاد مردم افغانستان در برابر تجاوز اتحاد شوروی و حکومت دست نشاندهٔ آن بدون شک از مشروعیت برخوردار بود، این جهاد هم از تایید ملت افغانستان، هم تایید جهان اسلامی و حتا تایید بین المللی بهره مند بود، غرب به ویژه امریکا نیز به پیشتبانی سیاسی، مالی و حتی نظامی از مجاهدین افغانستان برآمد، بدون شک ضرورت غرب و به ویژه امریکا بود؛ زیرا امریکا در جنگ ده ساله ویتنام ۱۹۶۳–۱۹۷۳ شکست خورده بود و منتظر فرصت بود تا انتقام خود را از شوروی بگیرد. این سخن بریژنسکی مشاور امنیتی جمی کارتر رئیس جمهور آن وقت امریکا(زمان تجاوز شوروی بر افغانستان– دسامبر۱۹۷۹ به رئیس جمهور: " خوب شد که شوروی هم یک ویتنام خود را داشته باشد" پرده از رخ هر گونه ابهام بر می دارد.

آنچه بعد از مجاهدین به میان آمد، پروژه یی بود که ایالت متحدهٔ امریکا، پاکستان، بریتانیا وچند کشور عربی در آن اشتراک داشتند و هدف از آن برداشتن مجاهدین افغانستان از عرصهٔ سیاسی این کشور و پیدا کردن جای پای برای امریکا و همپیمانان غربی آن بود.

آوردن اسامه بن لادن از سودان به افغانستان در اواخر زمامداری مجاهدین و بعد ها او را مهمان ساختن طالبان خود معمایی بود که فکر می کنم نزد اهل نظر اکنون آن حالت معمایی خود را از دست داده باشد، اعلان تشکل القاعده در افغانستان و بعدها پذیرفتن مسؤولیت حوادث یازده سپتامبر در حالی که بیشترین کار شناسان غرب را عقیده بر آن بود که این کار کار خود امریکاست و دلایل خود را هم ارایه کرده بودند و در مطبوعات آن وقت انعکاس دادند، نیز معماهای دیگر بوده که اکنون، مکنون نمانده است. هدفی را که غرب تعیین کرده بود به آن نزدیک شده است و کم از کم اخذ موقعیت کرده است. اما این که کاملا به مرام خود خواهد رسید یا نه، گذشت وقت آن را جواب خواهد گفت.

این همه واقعیت است که همهٔ عرب های که در دور جهاد به افغانستان آمده بودند، عضو القاعده نبودند، ولی نسبت مشکلاتی که با حکومات کشورهای متبوع شان داشتند، نمی توانستند به کشورهای خود بر گردند بناء در افغانستان باقی ماندند ولی انتساب همهٔ آنها به القاعده و همهٔ آن ها را به این نام زیر و زبر کردن جز یک پروگرام بود.

پاکستان هم حمایت سیاسی نظامی و مالی امریکا را بدست آورد و هم در پی پیاده کردن اهداف خود در افغانستان شد، پاکستان توسط جنرال حمیدگل رئیس آن وقت آی ایس آی بتاریخ ۳۰ جون ۱۹۸۸ پیشنهادی را به جنرال ضیا الحق رئیس جمهور آن وقت پاکستان ارایه کرد که گویا حیثیت ستراتیژی پاکستان به ارتباط افغانستان را به نمایش می گذاشت و آن الحاق افغانستان با پاکستان بود.

بخش از بازی های راکه امریکا درمنطقه آغازکرد، پاکستان بازهم درآن نقش عمدهٔ را بازی کرده ازیک طرف هشتاد درصد اکمالات نیروی آمریکا و ناتو مستقر درافغانستان ازطریق پاکستان صورت می گیرد و پاکستان مدعی است که درخط مقدم در برابر تروریستان قراردارد دربدل آن بالغ به ده ملیارد دالر امریکایی و وسایل و تجهیزات نظامی را بدست آورد

گرچه خیلی از کارشناسان را عقیده بر آن است که پاکستان در افغانستان خواهان عمق استراتژیک بود، اما بر اساس اسناد موجود پاکستان بیشتر از این می خواست. چنانچه حضور نظامی سیاسی پاکستان در صفوف طالبان خود شاهد این ادعا بود و اشاره یی داشت به نیم کاسه یی زیر کاسه.

بخش از بازی های راکه امریکا درمنطقه آغازکرد، پاکستان بازهم درآن نقش عمدهٔ را بازی کرده ازیک طرف هشتاد درصد اکمالات نیروی آمریکا و ناتو مستقر درافغانستان ازطریق پاکستان صورت می گیرد و پاکستان مدعی است که درخط مقدم در برابر تروریستان قراردارد دربدل آن بالغ به ده ملیارد دالر امریکایی و وسایل و تجهیزات نظامی را بدست آورد و ازطرف دیگر ازطریق همین افراد، اهداف خود درافغانستان را تعقیب می کند، پاکستان بدون تردید ازحضور نظامی ناتو و امریکا درافغانستان دلهره دارد. زیرا ازیک طرف تعقیب استیراتیژی اش درافغانستان با مشکلات وچالش ها مواجه می شود و ازطرف دیگر این حضور که مسلماً درازمدت خواهدبود حرکات پاکستان ر تحت شعاع خود قرارداده است، تا این که اینک خبرهای تبادل آتش بین نیروهای امریکا و پاکستانی نیز به نشر می رسد. امریکا خود را مجبور میداند به خاطر سرکوب نمودن به اصطلاح گروه های دهشت افگن وارد خاک پاکستان شود بهانهٔ خوبی برای تعقیب اهداف ستراتیژیک برای امریکا در پاکستان بدست می آید. اکنون پاکستان دریک مضیقه قرارگرفته است. ازیک طرف فعالیت های گروه های منسوب به دهشت افگنی ازحیطهٔ کنترول حکومت آن کشور درحال خارج شدن است و امنیت آن کشور را به چالش جدی طلبیده است و ازطرف دیگر شکایات روز افزون افغانستان که اینک امریکا وناتو را به پزیرش آن متقاعد ساخته است و اکنون فشارهای عدیده متوجه پاکستان است.

ازطرف هم اظهارات لوی درستیز فعلی پاکستان جنرال اشفق کیانی ازعقب نشینی اردوی پاکستان ازسیاست و ادارهٔ ملکی کشور تحت قیادت رئیس جمهور آصف علی زرداری در ظاهر امرفشار بر گروه های مسلح تحت نام طالب و دهشت افگن را افزایش بخشیده است و درهفته اخیر سپتامبر جنرال طارق یکی ازجنرالان پاکستان اعلان کرد که طی عملیات نظامی درچندین نوبت درباجور هزاران جنگجو را از بین برده اند ووعده داد تادوسه ماه اخیر وضعیت به حالت عادی برخواهد گشت .

حالا بادرنظرداشت آنچه گفته آمدیم آیا پاکستان واقعاً حاضرشده است با درنظرداشت اوضاع داخلی خود، وضعیت منطقه و اوضاع بین المللی دراستراتیژی خود به ارتباط افغانستان تجدید نظرکند؟

واقعاً برگشت حالات منطقه وابستگی به این امردارد و این هم باید روشن شود که آیا اظهارات جنرال کیانی به ارتباط عقب نشنی اردوی پاکستان ازسیاست یک واقعیت است بایک عقب نشینی تاکتیکی؟ چناچه اینک در رهبری آی اس آی نیز تغیر آورد. فکرمی کنم که قضاوت درین رابطه و باورکردن به اظهارات لوی درستیز پاکستان یک قضاوت عجولانه خواهد بود، باید کمی انتظارکشید تا پاکستان آنچه را اظهارمی کند عملاً ثابت سازد. چون کیانی خود در گذشته رئیس آی اس آی بوده و به این بازی ها خوب آشنا است. دراین جا ضرورت است تا بازی بین امریکا و پاکستان باردیگر مورد تحلیل و ارزیابی قرارگیرد. فکرمی کنم امریکا و پاکستان کم ازکم سی سال گذشته را که منطقه شاهد حوادث و تحولات مهمی بود، یکجا و در همنوای پیمودند که بدین گونه رازهای یک دیگر را می دانند و ازطرف دیگر موقیعیت جیو پولیتک پاکستان امریکا وا داشته است که در برابر پاکستان باتأنی عمل کند، زیرا آن چنان که گفته آمدیم بیشترین اکمالات قوای امریکا وناتو مستقر درافغانستان ازطریق پاکستان صورت می گیرد و ازطرف دیگر چون پاکستان با چین هم سرحد است و همیشه هردو کشور روابط تنگاتنگی داشته اند، می تواند از امریکا روی گرداند و باشانگهای بپیوندد ونیازمندی های اقتصادی ونظامی خود را ازاین ناحیه پوره کند و چین و روسیه در همین آرزو اند، بر این اساس دراین شکی نیست که امریکا و پاکستان را فشار می دهد ولی حاضر نیست به یکبارگی آخرین قدمش در برابر پاکستان بردارد. زیرا اگر چنین کند ستراتژی امریکا در منطقه ضربهٔ شدیدی خواهد دید.

نگاهی به آهنگ ترویج مسیحیت در جهان

آسیای میانه یکی از هدف هاست

مهدی

سازمان های مسیحی آسیای میانه را مورد تهاجم فعالیت های دینی قرار داده اند، گفته می شود صد ها سازمان تبشیری در کشورهای تاجکستان، قرغیزستان، ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان دست به فعالیت زده و با امکانات گسترده مالی و تبلیغاتی مشغول مسیحی کردن مسلمانان می باشند، اکبر توره جان زاده یکی از رهبران دینی در تاجکستان گفته است، سازمان های تبشری مسیحی در چند سال اخیر تنها در آن کشور ۱۸۰ هزار مسلمان را مسیحی کرده اند، گفته می شود ده ها سازمان مسیحی در تاجکستان مشغول فعالیت می باشد.

اخیراً یکی از این سازمان ها به نام شاهدان یهوه پنجصد هزار نسخه از یک کتاب تبلیغی مسیحی را وارد تاجکستان کردند، اما مسؤولان گمرک به دلیل این که شمار پیروان مسیحیت در آن کشور به آن حد نمی رسد، آن را مصادره نمودند که سر وصدای این موسسه را برانگیخت.

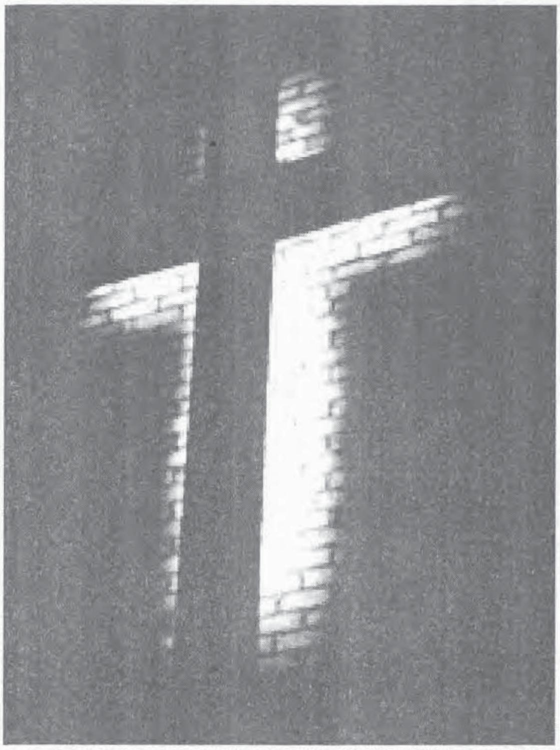
با وجود رشد چشمگیر مسیحیت، سازمان ها و کشورهای غربی همواره از فقدان آزادی ها دینی در تاجکستان انتقاد می کنند، اخیرا وزارت امور خارجه امریکا در گزارشی سالانه خویش تاجکستان را یکی از کشورهای خوانده است که آزادی مذهبی در آن محدود می باشد.

در روند رشد مسیحیت در آسیانه میانه، عوامل مختلفی موثر می باشد. رویکرد گروه های حاکم در این کشور ها که در صدد حذف و سرکوب گروه ها و جنبش های اسلامی می باشد، یکی از این عوامل حساب می شود، این گروه ها که اعضای حزب کمونست سابق اتحاد شوروی هستند، جنبش های سیاسی با تمایلات اسلامی را بر نمی تابند.

از جانبی هم، برخی گروه های اسلامی، با در پیش گرفتن روش ها و طرح های تند روانه و پیکارجویانه حاکمیت کمونیستان سابق را به چالش کشیدند و آن ها را علیه اسلام برانگیختند.

این در حالی است که حزب کمونیست شوروی سابق مبارزه طولانی برای برچیدن دامنه های مذهب مخصوصاً در آسیای میانه اسلام، پیش برد، در نتیجهٔ این سه عامل ذکر شده و عوامل فرعی دیگر، نوعی خلای مذهبی را در آسیای میانه به میان آمد، مسیحیت اکنون در صدد استفاده از این فرصت ها و تبلیغ مذهبی می باشد.

اگرچه گرایش مردم به دینداری و برگزاری مراسم و شعایر دینی مانند نماز و روزه، ریش و حجاب در میان جوانان، گسترش چشمگیری یافته است و مساجد پر از نمازگزاران می باشد. اما با این حال هنوزهم در آنجا خلای گستردهٔ مذهبی و نبود هویت دینی احساس می شود، که برای سازمان های تبشیری مسیحی قابل توجه می باشد.



اسلام تنها هدف مسیحیت نیست، بلکه گروه های تبشیری عرصه را برای آئین ها و ادیان آسیای مانند هندو، بودایی، کنفوسیوس بت پرستی و بی دینی تنگ ترنموده اند.

***

گذشته از این رشد گروه های هوا دار مبارزه، چهره ستیزه جویانه و دگرستیزانه از اسلام به نمایش گذاشته و واکنش های شدیدی را دامن زده است

برخی اعتقاد دارند روند دهکده شدن جهان، ایجاد شگاف در جوامع یک دینه و رخنه آئین های بیگانه را در پی آورده و هیچ جامعهٔ از این روند مستثنا نخواهد بود، دین اسلام نیز با بهره گیری از این روند، پا به شهرهای دورافتاده اروپا و امریکا می گذارد و مناره های مساجد از میان آسمان خراش های شهر های مدرن غربی سر بر می افرازند. اما این جریان مد و جزر و قبض و بسط قلمرو ادیان به صورت طبیعی صورت نگرفته و با توجه به امکانات گستردهٔ مادی، بهره برداری اصلی را از این وضعیت سازمان های مسیحت بدست می آورند و در جایگاه تهاجمی قرار گرفته اند.

البته اسلام تنها هدف مسیحیت نیست، بلکه گروه های تبشیری عرصه را برای آئین ها و ادیان آسیای مانند هندو، بودایی، کنفوسیوس بت پرستی و بی دینی تنگ ترنموده اند.

مسیحت در کشورهای آسیای مانند هندو کوریای جنوبی درحال گسترش چشمگیراست، در هند هر از گاهی از مسیحی شدن دسته جمعی روستا ها و شهرک های هندوان اخباری پخش می شود. چنانچه سال گذشته یک گروه حدود صد هزار نفری هندو به مسیحیت گرویدند. در کوریای جنوبی مذهب بودایی به شدت تحت فشار مسیحیت قرار گرفته و مجبور به واکنش گردیده است، موسسات مسیحی کوریایی حالا فعالیت های تبلیغی خود را به خارج از آن کشور نیز گسترش داده اند.

البته سرعت ترویج مسیحیت محدود به قارهٔ آسیا نبوده، سایر قاره ها مخصوصاً افریقا نیز شاهد فعالیت های گستردهٔ سازمان های تبشیری می باشد.

در این میان دعوت اسلامی با چالش های بزرگی مواجه می باشد، با نیرومند شدن، گرایش های عوامگرایانه تبلیغی و طریقتی که متمسک به برداشت های سطحی و گزینشی و توده یی از اسلام می باشند، ترویج اسلام معتدل را تحت فشار قرار داده است.

گذشته از این رشد گروه های هوا دار مبارزه، چهره ستیزه جویانه و دگرستیزانه از اسلام به نمایش گذاشته و واکنش های شدیدی را دامن زده است. این عوامل از ایجاد یک راه کار اعتدال گرایانه، مسالمت جویانه و متوازن در عرصهٔ دعوت و تبلیغ اسلامی جلوگیری نموده است.

جوامع غربی که در گذشته فکر می شود، پایبند به آزادی ادیان و احترام به عقاید دیگران می باشند، نسبت به اسلام روش ستیزه جویانه در پیش گرفته اقدام به توهین مقدسات اسلامی می زنند، چنانچه در چند سال گذشته بارها اقدام به نشرکارتون های اهانت آمیز نسبت به پیامبر اسلام "ص" زدند و فیلم های ضد اسلامی ساختند.

حادثه پوهنتون بلخ به روایت ...

تا موضوع را به گوش مقامات مسؤول و شخصیت های بانفوذ برسانیم و نقطه نظر آنها را برای مسؤولین توضیح دهیم.

محمدنعیم " منصور" عضو دیگر این تیم که محصل طب است می گوید : اطمینان ندارد که افراد پولیس که محصلین را لت و کوب کردند، مورد بازپرس قرار گیرند چون وی می گوید در این زمان هیچ مظلومی نتوانسته است حقش را از ظالمی به دست آورد. اما او گفت: تنها کاری که ما می توانیم بکنیم این است که مظلومیت خود را به گوش انسان های آزاد و نمایندگان مردم و جامعهٔ روشنفکری برسانیم که ما به چه گناهی لگد مال می شویم.

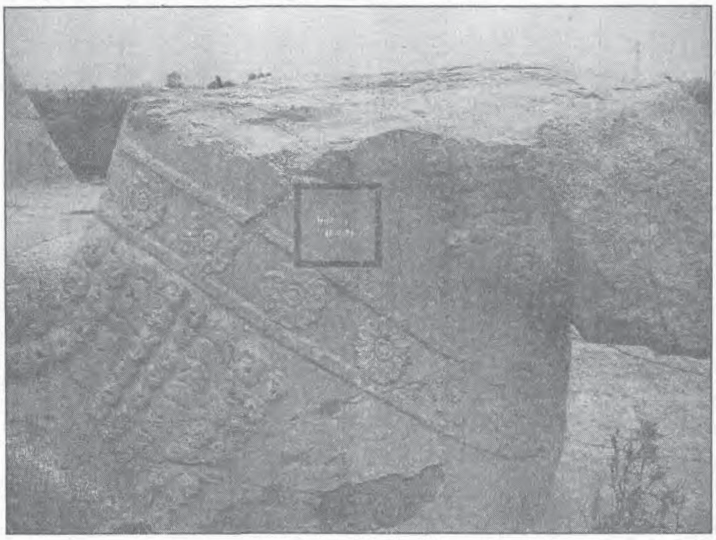
احمد طارق لعلی، دیگر عضو این تیم می گوید: وقتی ما خواستیم لوحهٔ دانشگاه را نصب کنیم قبلاً مقام های دولتی و رئیس دانشگاه را در جریان قرار دادیم، اما بعداز انجام کار،آنها دست به کار شدند و آن لوحه را از میان بردند و محصلین را سرکوب نمودند.

آقای حسین زینل دانشجوی طب می گوید: بر اساس مادهٔ شانزدهم قانون اساسی و مصوبهٔ شمارهٔ هشت شورایی وزیران مورخ ۱۳۸۳/۱/۱۶ به تصویب رسیده است، صراحت دارد که هر دو زبان دری پشتو رسمیت کتابت وگفتاری را در ادارات دولتی دارند، ما با استفاده از این حق قانونی خویش چنین لوحه را نصب کردیم اما دیگران مانع ما شدند و برخلاف قانون عمل نمودند.

سید رحمت الله شاداب هاشمی، که در حادثهٔ سرکوب محصلین زخمی شده است و هنوز آثار چوب و میل تفنگ در جاجای بدنش دیده می شود می گوید: وقتی از اتاق خوابگاه بچه ها را بیرون می کردند بدون پرس و پال افراد امنیتی که در دو طرف دهلیز صف کشیده بودند از دو جناح با چوب و میل تفنگ مثل این که ما را اسیر جنگی گرفته باشند مورد ضرب و شتم قرارمی دادند و خشونت به حدی زیاد بود که وقتی رسانه هاجریان لت وکوب کردن پولیس را فلم برداری می کرد، "پولیس و نیروهای امنیتی" اقدام به متفرق نمودن رسانه ها نمود و حتی نوارهای ثبت شده را شکستاندند.

در این اواخر بحث زبان و ترجیح یک زبان به زبان دیگر در مراکز آموزش به میان آمده است که لازم است، بدون تعصب ورزی در روشنی قانون اساسی کشور و اصول عدالت و آزادی راه حل برای آن جستجو شود و قناعت مردم حاصل گردد تا مغرضین از آن سود نبرند. بدون شک عکس العمل و استفاده از قوت و سلاح در این زمینه نابجا و غیر مسؤولانه می باشد.

سرقت آثار باستانی نگران کننده است



سرقت آثار باستانی هرات و موزیم سلطانی اولین اتفاق درکشورنیست، بلکه این کار به یک روند دایمی در کشور تبدیل شده است. سرقت آرامگاه خواجه عبدالله انصاری، سرقت سنگ آرامگاه استادکمال الدین بهزاد درهرات، سرقت سنگ مزارحکیم ناصر خسرو در بدخشان...

شاهدان عینی در شمال افغانستان، چون بدخشان، تخار و سایر مناطق می گویند که نیروهای خارجی به بهانه بازسازی، کمک به امنیت به کمک عمال داخلی شان شبانه بر قبرها و مزارات که بیشتر از صدها سال قدامت تاریخی دارند، یورش می برند زیارتگاه ها و مزارات را زیر و رو می کنند و صبحانه محل را ترک می کنند.

به گفتهٔ یک منبع مسؤول در وزارت فرهنگ، در این تازه گی ها دستگاه هایی به کشور وارد شده است که توسط آن ها آثار باستانی در زیر خاک شناسایی می شود و قاچاق بران از آن ها در استخراج این آثار استفاده می کنند، امروز نه تنها آثار داخل موزیم ها، بلکه آثاری که در زیر خاک نهفته است، از شر دزدان این آثار در امان نبوده و هر لحظه در معرض خطر قرار دارد طوری که در اشیای سرقت شده در حوزه هرات، گفته شده است که بعضی از صندوق های سنگی که اشغال آن بدون ترانسپورت غیر ممکن است، به سرقت سازمان یافته آگاهی یافت که این دزدان از همه وسایل پیشرفته ترانسپورتی برخوردار می باشند، که نه تنها ادامهٔ این وضع جامعهٔ فرهنگی افغانستان، بلکه حلقات معین جامعه جهانی به ویژه یونسکو که در راستای حفظ آثار باستانی کشور ها فعالیت می کند، نگران ساخته است.

از آغاز ادارهٔ موقت تا هم اکنون دست هایی مشغول سرقت اموال عامه به خصوص آثار باستانی در کشور بوده است.

رسانه ها خبر دادند که متهم سرقت موزیم هرات در این تازگی ها در محل فرماندهی هرات جان باخته است که عمق فاجعه از این مرگ مرموز فهمیده می شود.

سوال اساسی این است که چگونه ممکن است، عده یی به راحتی بتواند وارد حصار مستحکمی چون قلعهٔ اختیارالدین در هرات شوند، آثار را طبقه کنند و شماری از آثار را از دوره بودایی تا عهد تیموری با خود ببرند و آب از آب تکان نخورد؟ سرقت آثار باستانی با این پیمانه فاجعه بار می رساند که یا مقامات دراین دُسبرد فرهنگ و تاریخ دست دارند و این که مافیای آثار تاریخی دستگاه های دولت را تحت کنترول خویش در آورده اند. ظرف هفت سال جریان تحقیق و فرجام چنین دوسیه های که مردم می خواهند جواب سوال های خود را ازآن دریابند ، درمعرض رسانه قرار داده نشده است.

آنچه مورد بحث وکنکاش است این است که سرقت این آثار هیچ کمی ازنابودی آثار تاریخی دردوران جنگ تحمیلی درافغانستان ندارد وقتی مجاهدان افغانستان بادستان خالی دربرابرنفوذ و مداخلهٔ بیگانه گان می رزمیدند، طبیعی بود که قاچاقچیان داخلی و خارجی پارهٔ یی ازآثاررا سرقت می کردند و دولت در آن زمان توانایی دفع تمام تهدیدات را نداشت، همچنان محلات نگهداری آثارباستانی درمناطق تحت کنترل مخالفین دولت وقت قرارداشته وجنگ های خونین درمحل رخ داده است که تخریب و بی جای چنین آثار یک امرطبیعی پنداشته می شود، اما در اوضاع و احوال کنونی کشور که پیش از سی کشور جهان در این جا جمع شده اند و حدود ۷۰ هزار عسکر خارجی در کشور مستقر است و ملیارد ها دالر برای تقویت قوای نظامی افغانستان به مصرف می رسد، دیده می شود که در آرام ترین منطقه کشور، آثار باستانی غارت می شود.

از این که دارایی های زیرزمینی و آثارباستانی کشور از داخل موزیم ها مستحکم ربوده می شود این کار برای دولت و حامیان بین المللی آنها مایه سرافگندگی خواهد بود. مردم نگران اند که دولت قادر به حراست فرهنگ و داشته های تاریخی این سرزمین نیست.

از سوی دیگر یونسکو که از این ارزش های مادی و معنوی کشورهای جهان حمایه و پشتبانی می نماید و دراین روزها لست آثار به غارت رفته افغانستان از طریق این نهاد به نشر رسیده و سایر نهادهای بین المللی می خواهند، این آثار را دوباره به کشور بازگرداند. یک چنین جو نا مناسب امنیتی که همه روزه به عمق و گستردگی آن افزوده می شود، به یقین روند این بازگردانیدن آثار به کشور مناسب نبوده ممکن است به تاراج برود، زیرا دولت قادر نیست این آثار را که در واقع هویت ملی، درگرو آن بسته است، دیده شد که در آینده چه بلایی بالای آثار فرهنگی و هویت ملی ما خواهد آمد.

هردم از باغ بری می رسد
تازه تر تازه تری می رسد

ایا تولستوی مسلمان شوی و؟

محمد نسیم فقیری ژباړه

لیون تولستوی (۱۸۲۸-۱۹۱۰ م) نه یوازې د روسیې بلکې د نړۍ نامتو لیکوال دی او مهم اثر یې جګړه او سوله " نړیوال شهرت لري.

دتولستوی ځانګړتیا په دې کې وه چې د نورو لیکوالو په پرتله یې بشر دوستۍ او اخلاقیاتو ته زیاته پاملرنه کړې ده او دهغه په لیکنوکې. د انسان د معنوي اړخ پرپیاوړ تیا باندې ډیر ټینګار شوی دی. تولستوي...؟ لیتوالتیا پر بنسټ، لومړی د مسیحیت د لومړینو تعلیماتو د بیا را ژوندي کولو په لټه کې و او بیا د ژوند په وروستیو کلونو کې اسلامي تعلیماتو ته مخه کړه او د" محمد رسول الله" په نوم یو کتاب ولیکه.

څرنګه چې روسیه هم د تزار په وخت کې او هم له بلشویکي بدلون نه وروسته له اسلام سره په ټکر کې و نو د تولستوی ددې کتاب خپراوي ګران کار او په ځانګړې توګه د کمونستانو د څواکمنۍ په دوران کې د دوې امکان میسر نه و چې دا حقیقت بر بنډ شي چې تولستوي مسلمان شوی و. دا کتاب له ترکي نه فارسي ته ژباړه شوی او ژباړن یې" عطا ابراهیمی راد" نومیږي او په ۱۳۸۵ کال په تهران کې د نشر ثالث له خوا خپور شوی دی.

تولستوی په لومړی سرکې د یو هندی مسلمان (عبدالله سهروردی) په کتاب کې نبوي احادیث مطالعه کړي چې ډیر یې خوش کړي او وروسته یې په روسی ژبه ژباړلي دي.

د" تولستوی ورکه شوې رساله" په نوم یو کتاب د ابراهیمي راد نظرته راغلې چې له روسي نه ترکي ته ژباړه شوې وه.

عارف ارسلان په ۲۰۰۵ کال کې د نوموړي کتاب د ترکي ژباړې لپاره سرلیک لیکی او په هغه کې د تولستوی د مسلمانیدو خبره کړې ده.

خو څه چې دلته راوړل کیږي هغه د تولستوی مشوره یوې مورته ده چې دوه زامن یې مسلمان شوي دي. تولستوی ورته په مشورې او ځواب کې لومړی د اسلام او



مسیحیت ترمنځ پرتله وړاندې کوي او وروسته بیا مسلمان شویو زامنوته مبارکي وایې.

تولستوی ته یو لیک

شپږکال کیږي او په دې اوږده موده کې نه د ابراهیم آقا زړه کراری مومی چې د هلکانو پلار دی او نه یناو کیلاواته راحت په نصیب کیږي چې د دوی مورده!

دوی داوړو سره دا سودا ده چې زامن یې کوم دین ته اوښتی او دا دین څه ځانګړتیاوې لري؟ دوی چیرته ولاړ سي اوله چانه پوښتنه وکړي او له چا سره سلا مشوره ولري؟

جنرال ابراهیم تل دخپلو زامنو په فکر کې و چې مشرېې د پترزبورګ دتکنالوجی په انستیتوت کې لوست کاوه او نوم یې بوریس واو همدارنګه یې کشر زوی(کلب) د ماسکو په حربي ښوونځي کې په تحصیل بوخت و.

" مونږ په کوم ملت کې شمیرل کیږو؟" داهغه پوښتنه ده چې تل یې دا کورنۍ له ځانه سره لري.

بوریس وایي: نورنو ۱۹ کلن شوی یم، که څه هم په درسي مشغولیتونو کې ډوب یم، خو بیا هم اسلام او د محمد صلی الله علیه وسلم دین ته د اوښتلو فکرمې یوه شېبه هم نه پریږدي .... په ۱۹۰۴م کال کې په روسیه کې د ادیانو د آزادۍ اعلامیه خپره شوه.

د دې قانون له مخې هرڅوک کولای شي چې بیرته خپل پلرني دین ته واوړي او دغوښتنلیک په وړاندې کولو سره دا مسئله حل کړي. زمونږ پلار او مور په لومړیو وختونو کې نه غوښتل چې مونږ خپل دین (پروسلاو) پریږدو، ځکه چې دا په روسیه کې حاکم مسیحي دین و.

زمونږ مورهم تولستوی ته یو لیک ولیکه چې دهغه څیرتیا او محافظه کاري ښکارندوی دی.

له یوې خوا زمونږ غوښتنه اوټینګار اوله بلې خوا د مور او پلار حیرانـي او د پریکړې کولونه توان، بالاخره دوی دې ته اړ کړل چې موضوع لوی پوه او ادیب تولستوی ته وړاندې کې ترڅو دهغه دځواب په رڼا کې تصمیم ونیسي د ۱۹۰۹ کال په ژمي کې زمونږ مور(یلناوکیلاوا) له تفلیس نه تولستوی ته لاندې دول یو لیک استوي:

ګران او لوی استاد لئون تولستوی!

په سرکې له دې کبله چې ستاسې وخت نیسم بخښنه غواړم ځکه چې په لوستلو او ځواب ورکولو کې ستاسې قیمتي وخت ضایع کیږي. پوهیږم چې ډیر خلک تاسې ته خطونه لیږي او پوښتنې لري او زه غواړم **پاتې پر ۵مخ**

پشت پردهٔ مذاکرات با طالبان

ابوبکر سبزوار

در چند روز گذشته موضوع مذاکره با طالبان در صدر اخبار کشور و حتی رسانه های بین المللی قرار داشت. گفته می شد که نمایندگان طالبان و دولت افغانستان در مکهٔ معظمه به دعوت شاه عبدالله پادشاه عربستان سعودی گرد هم آمده اند. از همه جالب تر سخنان یک وکیل پارلمان آقای جمیل کرزی بود که مدعی شد طالبان خواهان چند وزارت کلیدی در کابینه شده اند.

اما حقیقت امر این است که از مدت ها قبل آقای کرزی از پادشاه عربستان سعودی تقاضای میانجیگری میان طالبان و دولت او را نموده بود ولی این تلاش ها به این دلیل به جایی نرسید که هر دو طرف پیش شرط های خود شان را داشتند. طالبان خواهان تعیین یک تقسیم اوقات برای خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان شده بودند و مذاکرات در موارد دیگر را منوط به این مسأله ساختند. در مقابل حکومت افغانستان از طالبان می خواست که در قدم اول باید قانون اساسی افغانستان و نظام سیاسی موجود را به رسمیت بشناسند.

مسألهٔ قانون اساسی خود یک مسألهٔ مورد اختلاف حتی میان نیروهایی است که با دولت درگیر جنگ نیستند. بسیاری به این باورند که این قانون اساسی نیاز به اصلاحات اساسی دارد و نظام سیاسی موجود که ریاستی است و نه صدارتی، برای شرایط افغانستان به هیچ صورت مناسب نیست. در افغانستان با این همه مشکلات، رئیس جمهور نمی تواند به همهٔ امور رسیدگی نماید. شاید به همین دلیل هم بود که آقای کرزی پستی به نام وزیر ارشد را در کابینه به میان آورد اما بعداً متوجه شد که این پست می تواند برای خود وی مشکل آفرین باشد و در نتیجه وظایف این مقام تعریف نشد.

اما ملاحظهٔ طالبان و حکمتیار بر این قانون اساسی فقط در مواردی خلاصه نمی شود که اپوزیسیون سیاسی دولت بر آن وارد می دانند. مسودهٔ قانون اساسی که حکمتیار ارائه نموده با قانون اساسی موجود به کلی متفاوت است و طالبان که این قانون اساسی را از بنیاد غیر اسلامی می دانند. اگر چنین نمی بود دلیلی وجود نداشت که بجنگنند.

وقتی سخن از مذاکره با طالبان به میان می آید، هرکسی از زاویهٔ دید خود به این مسأله می نگرد و عکس العمل های احتمالی طالبان را با معیار های خود سبک و سنگین می کند. اما دید طالبان در این باره کاملاً فرق دارد.

طالبان زمانی که به کابل مسلط شدند و امارت خود را اعلام نمودند، در برابر این خواست جامعهٔ جهانی قرار گرفتند که باید به زنان حق کار و تحصیل بدهند. ملا محمد غوث وزیر خارجهٔ وقت طالبان در جواب موقف طالبان را به سادگی بیان



از جانب دیگر جلب رضایت طالبان برای عربستان سعودی به عنوان میانجی شاید دشوار باشد چون بن لادن رهبر القاعده و حامی اصلی طالبان مخالف سرسخت خانوادهٔ سلطنتی سعودی بوده و خواهان خروج نیروهای غربی از خاک عربستان سعودی است.

کرد:

ما با مجاهدین خود که ما را در رسیدن به قدرت یاری کردند تعهداتی داریم. ما به آن ها قول داده ایم که زنان را اجازهٔ تحصیل و کار نمی دهیم و به این قول خود تا زمانی وفادار هستیم که جنگ به صورت کلی در افغانستان به پایان برسد و نیاز ما به جنگجویان از میان برود. در آن صورت ممکن است ما با آنها به توافقی برسیم اما در شرایط فعلی اگر این کار را

اما ملاحظهٔ طالبان و حکمتیار بر این قانون اساسی فقط در مواردی خلاصه نمی شود که اپوزیسیون سیاسی دولت بر آن وارد می دانند. مسودهٔ قانون اساسی که حکمتیار ارائه نموده با قانون اساسی موجود به کلی متفاوت است و طالبان که این قانون اساسی را از بنیاد غیر اسلامی می دانند. اگر چنین نمی بود دلیلی وجود نداشت که بجنگنند.

بکنیم، آنها سنگرها را رها خواهند کرد و به خانه های خود برخواهند گشت.

وی در صحبت دیگری با دکتر ناربرت هول گفت که تا رسیدن به کابل چهارهزار طالب کشته شده اند آنها خواستار تطبیق شریعت بودند و ما نمی توانیم این خواست آن ها را نادیده بگیریم.

این طرز دید طالبان است و تعداد قربانیان آنان از سال ۱۹۹۶ که این سخنان بر زبان آورده شد تا کنون به مراتب بیشتر شده است. برعلاوه آنها با متحد اصلی خود شبکهٔ القاعده تعهداتی دارند که در سال ۹۶ نداشتند. با چنین وضعی نمی توان امید داشت که چنین مذاکراتی به نتیجه برسد.

در مورد موقف کشور عربستان سعودی نیز باید گفت که این کشور در دوران امارت طالبان هرچند نظام طالبان را به رسیمت شناخت اما بر سر حضور اسامه بن لادن در افغانستان با آنها اختلاف شدید داشت. تقاضای دولت سعودی از طالبان مبنی بر این که (اسامه را یا به ما بسپارید یا به امریکایی ها) از طرف مقامات طالبان با جملات تندی رد شد و دولت عربستان سعودی نیز در جواب روابط دیپلوماتیک با طالبان را به رتبهٔ شارژدافیر پایین آورد.

از جانب دیگر جلب رضایت طالبان برای عربستان سعودی به عنوان میانجی شاید دشوار باشد چون بن لادن رهبر القاعده و حامی اصلی طالبان مخالف سرسخت خانوادهٔ سلطنتی سعودی بوده و خواهان خروج نیروهای غربی از خاک عربستان سعودی است.

حقیقت امر این است که بحران در افغانستان و پاکستان نمی تواند روی کشور های عربی بی تأثیر باشد. همین اکنون طبق یک آمار حدود شصت هزار جنگجوی خارجی در مناطق قبایلی پاکستان و سرحدات افغانستان مستقرند که تعداد زیادی از آنان به تازگی از کشور های عربی آمده اند. دنیای عرب در التهاب یک قیام بالقوه است که اگر چاره یی برای آن سنجیده نشود از قوه به فعل در خواهد آمد. اشتباه امریکا در حمله به عراق را نمی توان به این زودی ها جبران کرد. قدرت روزافزون ایران که با سقوط رژیم های طالبان و صدام در عراق و افغانستان تقویت شده است موجب نگرانی حکومت های دنیای عرب است و انگلستان که این منطقه را خیلی خوب می شناسد، آستین بلند کرده است تا هرچه زودتر چاره یی برای این مشکلات دست و پا کند.

در حالی که در مذاکرات مکه هیچ نماینده یی از جانب طالبان همسنگر ملاعمر حضور نداشت، سخن از مذاکرات با طالبان بود. حقیقت این است که کسانی که به نام طالبان در این گردهمایی شرکت کرده بودند طالبانی هستند که از مدت ها پیش در سایهٔ حکومت افغانستان زندگی می کنند و برای ادای عمره به سعودی دعوت شده بودند و ظاهراً هیچ صلاحیتی برای مذاکره نداشتند.

این که در این جریان از قول یک فرمانده بلند پایهٔ انگلیسی نقل شد که ناتو در افغانستان شکست خورده است نیز جالب توجه بود. اعتراف به این مسأله روحیهٔ طالبان را بیش از پیش تقویت کرد ناامنی های پاکستان مسیر پاکستان برای اکمالات نیروهای خارجی را به چالش های جدیدی مواجه خواهد ساخت و طبیعی است که در چنین حالتی اگر مذاکره یی هم صورت گیرد، طالبان از موضع قوی تری سخن خواهند گفت.

ایا تولستوی مسلمان شوی و؟ ...

چې یوه مهمه مسئله چې زمونږ د برخلیک په ټاکنوکې مهمه ونډه لري ستاسې حضورته وړاندې کړم او دسلاو مشورې انتظار وباسم.

زه یو پنځوس کلنه میرمن یم درې اولادونه لرم او خاوندمې مسلمان دی مګر زمونږ نکاح په اسلامي طریقه نه ده شوې.

زما زامن غواړي چې بیرته خپل پلرني دین ته واوړي له مانه اجازه غواړي. زه څه کولای شم؟ پوهیږم چې دهیواد د نویوقوانینو پربنسټ داکار شوني دی ښه خبر یم چې دولت له هغو کسانو سره چې روسی الاصل نه وي په دې اړه څه چلند لري. زما زامن غوښتنه لرغوندې ده، کورني لاملونه هم نلري او نه د ګټې دلاس ته راوړلو په هیله داکار کوي بلکې غواړي خپلو خلکو ته (تاتاریانوته) ښه خدمت وکړي نولومړی باید مسلمانان شي ترڅوله دوی سره هم غړي شي او د خلکو د اعتماد وړ وګرځي.

زه له خپلو زامنو سره ډیره مینه لرم او اوس چې داخط لیکم زما له سترګو د نه د اوښکو باران اوریږي تاسې تل له غم ځپلو سره مرسته کړې ده او هغوی ته موښی مشورې درکړی دي. بیاهم بخښنبه غواړم چی ستاسې وخت نیسم.

یلناوکیلاوا

تفلیس – د اوچ بنی پري لوک ۱ واټ – اتم لمبرکور

نوربیا

رویداد های هفته ...

مجروح شدن مسؤول یک مکتب در کابل

مدیر تدریسی لیسهٔ سیدال ناصر شهر کابل روز چهارشنبه ۱۷ میزان از سوی پسر یکی از ژنرالان وزارت امور داخله که گفته می شود رئیس نظم و امن عامه می باشد، مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از سوی محافظ این پسر به سوی مدیر تدریسی لیسهٔ مذکور شلیک شده که در نتیجه عبدالواسع مدیر تدریسی لیسه از ناحیهٔ دست مجروح گردیده است و وی در حال حاضر در شفاخانه تحت مراقبت صحی قراردارد.

کشته شدن چهل و سه شورشی در زابل

نیروهای ائتلاف اعلام کرده اند که در یک نبرد مسلحانه در شهر قلات مرکز ولایت زابل روز سه شنبه ۱۶ میزان ۴۳ تن از شورشیان را به قتل رسانده اند. در خبر نامه یی که از سوی این نیروها انتشاریافته گفته شده است که این در گیری پس از آن آغاز شد که شورشیان بر یک کاروان گشت زنی نیروهای داخلی و خارجی حمله کردند و با آتش باری متقابل رو به رو شدند که در نتیجه ۴۳ تن از شورشیان کشته شده اند.

فریضهٔ جهاد و پدیدهٔ خشونت

عبدالحفیظ همام

با به کارگیری خشونت واعمال تروریستی از سوی برخی گروها ، جوی از ابهام و فضایی غبار آلودی درراستای فهم دیدگاه شرع نسبت به ماهیت خشونت، محل و چگونگی کاربرد آن، میتوان ملاحظه کرد. علاوه براین غموض وابهام، میتوان برپارهٔاشتباهات ونارسایی هایی پیرامون فهم نصوص شرع که اشاره به مسائل جهاد دارد، نیز انگشت گذاشت. نتیجهٔ منطقی که بر موارد فوق مرتب گردیده است ایجاد حالت و وضعیتی ازآمیختگی مفاهیم – چه در سطح اندیشه و چه در سطح کنش – میان پدیدهٔ خشونت در نماد مشروعش (جهاد)، و میان پدیدهٔ خشونت درچهرهٔ نا مشروعش (اعمال تروریستی) میباشد. به یقین عدم توجه به نکات تمایزوتفاوت میان این دو پدیده، به ویژه عدم فهم وآگاهی به طبیعت جهاد – چه از لحاظ فکری و چه از لحاظ عملی – منجر به فاجعه های هولناک میگردد.

خطورت مسأله آنوقت جدی و ریشه دار میگردد که زیر نام وشعارجهاد، اعمال تباه کن تروریستی وجنایات وحشتناک ازمشروعیت برخوردار گردیده، وبدینگونه نکات بحث و محور گفتگو ازجوهرواحکام جهاد به یکی از مهمترین حوزهٔ گفتمانی پیوند یافته به جهاد یعنی پدیدهٔ تروریزم انتقال یابد.

عدم تفکیک وتباین میان حوزهٔ بی آلایش جهاد وعرصهٔ آلودهٔ اعمال تروریستی مرگبار، مسلما مسلمان را درمورد راه کارها و کارکردهای تروریستی، حیرت زده ساخته دیدگاه واندیشه اش در زمینه دچار تحیرو شگفت زدگی میگردد. به ویژه در برهه ای که پدیدهٔ تروریستی، اهتمام و نقد را بیشترازارائهٔ حلول و رهیافتهایی مبنی بر پایان بخشیدن رنجهای خونین بشری و فاجعه های بزرگ انسانی، بر انگیخته است.

واژهٔ جهاد حساس ترین مفهومی است، که ممکن یک سلسله اشکالات را – به ویژه – در سیاق بحث و گفتمان پدیدهٔ تروریسم برانگیزد، واعمال خشونت آمیزتروریستی، برچسپ هایی ناروایی را به ناصیهٔ پاکش وارد آورد؛ آنچه که رسانه های غربی به نوبهٔ خود کاربردی مؤثری برای تشویه اسلام وبسترمناسبی برای ارائهٔ تصویری زشت نسبت به مفهوم و اعتبار جهاد فراهم آورده اند. هرچند که سهمگیری قابل ملاحظهٔ برخی از مسلمانان – از حسن نیت و یا از سوء فهم – درین تشویه و بدنامی را، نمیتوان نادیده گرفت.

جهاد جایگاه مهمی دراسلام دارد وترمنولوژی جهاد، اصطلاح خاصی مربوط به امت اسلامی است، که نماد برجستگی اسلام و وجه تمایزآن با سائر نحله ها وادیان میباشد؛ ولی شکل گیری و تحقق این ویژه گی مربوط و منوط به اوضاع و شرائط به خصوصی است که در روابط میان مسلمانان وغیر مسلمانان تحمیل میشود، که احتمالا گاهی و درحالتهایی بخصوصی شکل خشونت آمیزرا بخود بگیرد.

بدینگونه و بنا به تعبیر سید قطب (رح)، جهاد واژهٔ خاصی متعلق به خود اسلام است، که کاربرد این اصطلاح ویژه، بخاطرآنست که پیرامونش پاک وبی آلایش وحامل ارزشهای انسانی ودارای تعالی "هدف وغایه" است. این خطوط برجسته ونکات متمایز، در واقع مهمترین خط فاصل میان مفهوم "جهاد" و مفاهیم دیگری مانند "جنگ، "انقلاب" و "جنگ مقدس" – بنا به تعبیر صلیبی خاورشناسانهٔ آن – وغیره میباشد؛ زیرا فریضهٔ جهاد، به عنوان دستور صادره ازبارگاه مصدروحی، دارای بعد ایمانی ویژه ای است، که مقصود وماهیت آنرا درسرشت و نهاد ارزشمند ومتمایزآن میتوان به وضوح تجلی یافته دید.

در صورت دقت به نص تعریف های داده شده درفوق، دلالت جهاد را بصورت وضوح میتوان منحصردر بعد خشونت آمیزش در درگیری میان مسلمانان وغیر مسلمانان، ملاحظه کرد

آنچه بران باید تأکید گذاشت،فهم معنی وجایگاه جهاد دراسلام است که نباید دچارکج اندیشی وبد فهمی گردد. از خصوصیت این دین عظیم داشتن پیوند ناگسستنی عبادت به سیاست است وهمانند دین بودائی وادیان دیگرتنها دربعد عبادتی خلاصه نگردیده است. چون اسلام یک آئین فراگیر است که ناگزیر متضمن احکام، حکومت، معاملات، مناسبات و قواعد صلح و جنگ باشد. بناء برای کسانیکه تلقی آنها ازدین، تنها سجاده وعبودیت است،جهاد نا موجه می نماید، وچه بسا کوشش وجهدی به خرج دهند تا خشونت وارعاب را جزء طبیعت وازسرشت اسلام معرفی دارند.

ما درجهانی زندگی میکنیم که خشونت درصورتهای گوناگون آن به اوج خود رسیده است: گاهی زیرچتر دموکراسی وآزادی به وسیلهٔ مدعیان دروغین، وگاهی هم زیرپوشش خشونت گرایی دینی. اما اسلام هرگونه تلاش و کوشش را برای ایجاد رعب ووحشت،خشونت خوانده وآنرا عین تروریزم میخواند.

تشریع احکام جهادی ودفاعی اسلام را بی تردید، نمیتوان ازمصادیق خشونت دانست. جنگهای غیرمشروع وتجاوزمنفورترین پدیده هایی هستند که هیچگونه سازگاری وهمسویی با آموزه های اسلامی ندارد. اسلام همگان را به صلح وهمگرایی فرا خوانده وسفارش اسلام به صلح نشاندهندهٔ آشتی جویی وهمزیستی اسلام است که قوانین خشونت آمیز را تشریع نکرده و با آن درتضاد قراردارد. ازسوی دیگردفاع ازجان، مال وایستادگی دربرابر تجاوزبیگانگان ودفاع ازنظام ووطن یک امرطبیعی بوده وبا سرشت انسانی ونظام آفرینش همسویی دارد، واسلام به عنوان آئین فطرت با آن همسویی داشته وآن موارد را میپذیرد.

قبل از ورود به بحث اصلی روی جهاد از دیدگاه فقهای شریعت اسلامی، اشاره به دو نکتهٔ زیررا لازم میبینم:

شروح وتفسیرات فقهی درمورد مسائل جهاد، قرائتها و برداشتهای شخصی متعلق به افراد اند که ریشه در منبع هدایت الهی (قرآن کریم و حدیث پیامبر ص) دارد، وتأثیرگذاری اوضاع اجتماعی، جو فرهنگی و شرائط تاریخی مسلط بر زمان را نمی شود درزایش و صیاغت اجتهادات و برداشتهای ایشان نادیده گرفت. در کل، همین اجتهادات فقهی بوده که درپاسخ وهماهنگی با نیازها و واقعیتهای اجتماعی مسلط بر محیط و زمان، فراورده ها و داده هایش را به جامعه و مردم تقدیم میداشته است.

لزوم توجه به خطورت شرحها و تفسیرات مخل وسطحی که در سیاق بحث و پژوهش پیرامون جوهره و اصل مفهوم جهاد واحکام فقهی آن، به علومیکه به منظورفهم دقیق و درست نصوص قرآن و حدیث، بنیان گذاری شده اند، توجه و اهتمامی صورت نگرفته باشد.

اکثریت فقهاء شریعت اسلامی، مفهوم "جهاد" را در عرف و اصطلاح شرع بصورت اغلب چنین تعریف مینمایند: " جنگ با کفار به غرض اعلاء کلمهٔ الله"، ولی نمیتوان مفهوم جهاد را به این تعریف خلاصه کرد؛ به ویژه که تعریف فقهاء مسلما، نمیتواند مدلول نص قرآنی وارده درمورد جهاد را ازسیاق عموم کشیده وآنرا خاص نماید؛ لذا اختلافات فقهی را درتعریفات وارده به مفهوم جهاد میتوان ملاحظه نمود.

بعضی از فقهاء احناف – بطور مثال – جهاد را در اصطلاح شرع چنین گفته اند: " دعوت به دین حق و جنگ با کسیکه آنرا نپذیرد"؛ درحالیکه فقهاء مالکی در تحدید گروهیکه باید با آنها جنگید مشخص تر صحبت کرده اند: " جنگ مسلمان با کافری غیرمتعهد برای اعلاء کلمهٔ الله". اما فقهای شافعی مقصود ازجهاد را "جنگ درراه خدا" و یا " جنگ با کفار به غرض نصرت اسلام "، خوانده اند، و نزدیکتربه همین معنا فقهای حنابله نیزجهاد را تعریف کرده اند، یعنی " جنگ با کفار بوجه خاص".

در صورت دقت به نص تعریف های داده شده درفوق، دلالت جهاد را بصورت وضوح میتوان منحصردر بعد خشونت آمیزش دردرگیری میان مسلمانان وغیر مسلمانان، ملاحظه کرد. در حالیکه داده های مدلولی و مفهومی جهاد ازنصوص قرآن، فراتروشامل ترازداده های تعریف شدهٔ فقهی اند؛ طوریکه این شمول وفراگیری درتعریف برخی ازفقهای احناف مانند کاسانی برازنده است. وی جهاد را چنین تعریف مینماید:" بذل جهد و کوشش به جنگ درراه خدا(ج) با نفس، زبان و یا غیرآن". از جمله کسانیکه به این مفهوم نیز اشاره نموده ابن رشد است. وی جهاد را شامل چهار نوع میداند: جهاد قلب، جهاد با زبان، جهاد با دست و جهاد با شمشیر.

افغانستان به کدام یک نیاز دارد ...

بر پایهٔ این گزارش، آقای شرارد کوپر کولز به دو دلیل به این نتیجه رسیده است:

۱- بدتر شدن شدن روز افزون امنیت و به شکست مواجه شدن عملیات مبارزه برضد طالبان.

۲- بدتر شدن و ضعیت فساد در دستگاه دولت افغانستان که دولت افغانستان در فرایند این وضعیت اعتماد و اطمینان مردم را از دست داده است.

بی تردید آقای کولز در تحلیل اوضاع افغانستان نظر صائب دارد، بد تر شدن اوضاع امنیتی و گسترش فساد اداری و بی عدالتی در دستگاه دولت و عدم اعتماد و اطمینان مردم به توانایی های دولت در مهارکردن بحران افغانستان چیزی است که عوام و خواص در آن تردید ندارند، و حتی مهم ترین طراحان این نظام مانند آقای اشرف غنی احمدزی هم به ناتوانی و ضعف آن تأکید می ورزند. اما آقای کولز از این مقدمات صحیح به نتایج خطا رسیده است که آن فقدان یک "دیکتاتور قابل قبول" باشد!

اگر قرار باشد راه حل بحران افغانستان در "دیکتاتور قابل قبول" جستجو شود، پس به این همه هیاهو و لشکرکشی چه نیازی بود؟ مگر آقای کولز فراموش کرده است که فلسفهٔ لشکر کشی کشورش و کشور ایالات متحدهٔ امریکا به افغانستان را دفاع از حقوق بشر و تحقق بخشیدن به نظام دموکراسی اعلام کرده بودند و تا امروز همهٔ سختی ها و دشواری های مبارزه در افغانستان را برای این منظور به خود هموار کردند و پیوسته مردم افغانستان را هم تلقین نمودند که علت العلل مشکل افغانستان نبود یک نظام دموکرات و حامی حقوق بشر بوده است که با آمدن آن همهٔ مشکلات افغانستان راه حل منطقی و انسانی خواهد یافت و مردم شاهد مقصود را به آغوش خواهند کشید!

اما امروز جناب سفیر بریتانیا فلسفهٔ حضور نیروهای خارجی در افغانستان و همه تلاش های جامعهٔ جهانی از جمله کشور خودش را دگرگون بلکه معکوس می خواند و راه چیره شدن به مشکلات را دست یافتن به یک "دیکتاتور قابل قبول" معرفی می کند.

شاید آقای کولز به دلیل عقیم ماندن شعارهای دموکراسی در این بیش از هفت سال به این نتیجه رسیده است، و شاید او در این تلقی اش نیز تنها نباشد، وزیر خارجه ناروی وقتی پس از اظهارات او در کابل در نشستی خبری می گوید امنیت در افغانستان برای ما از دموکراسی بیشتر ارزش دارد، به گونه یی این اظهار نظر بازخوانی این سخنان آقای کولز است. همچنان در گزارش تایمز گفته شده است که آقای کولز در وزارت خارجهٔ بریتانیا دارای طرفدارانی است و این اظهارات او در وزارت خارجهٔ فرانسه نیز حامیانی دارد پس ممکن است این دیدگاه به یک تئوری حل بحران افغانستان درمیان کشورهای تصمیم گیرنده تبدیل شود.

این دیدگاه شاید از به چالش مواجه شدن دموکراسی در افغانستان ناشی شده است. بی کمترین شک این تحلیل ها تا حدی با واقعیت های جامعهٔ افغانستان همخوانی دارد، ایجاب می کند همهٔ کشورهای مرتبط با قضیهٔ افغانستان در استراتژی ها و پالیسی های شان بازنگری کنند، اما باید توجه داشت که هرگز راه حل مشکل افغانستان در دیکتاتور و دیکتاتوری به دست نمی آید.

اگر واقعاً دیکتاتوری راه حل بود، افغانستان نه سال ها بل قرنهایی دیکتاتوری را تجربه کرده است، دیکتاتوری های گونه گون را، از نوع سنتی فردی آن گرفته تا نوع مترقی پرولتاری آن! اما این دیکتاتوری ها نه تنها مشکل افغانستان را حل نکرد بلکه یکی از عوامل بنادین بحران و عقب ماندگی افغانستان در همین نظام های دیکتاتوری ریشه داشته است.

این درست است که تجربهٔ دموکراسی در افغانستان خطا آمیز بوده است و این خطاها آن را به چالش مواجه ساخته است.

نظام های دموکراسی مبتنی بر فلسفهٔ حقوق طبیعی و آزادی های انسانی شکل گرفته و برای براندازی نظام های خودکامه و حق کش بر آن ها تاخته است. جهان غرب همه بر پایهٔ چنین دیدگاه فلسفی با پشت سر نهادن انقلاب های بزرگ و تحمل قربانی های بزرگ به نظام های کنونی کشورهایشان که آن را دموکراسی نام می نهند رسیده اند.

آنچه دموکراسی را در جهان سوم به ویژه کشورهای اسلامی به چالش مواجه کرده، عواملی است متعدد، که از آن جمله در آمیختن ارزش های راستین دموکراسی با برخی از فلسفه های نهیلیسی و دین ستیز است. تجربهٔ خطا آمیز دموکراسی در افغانستان به باور ما از این شیوه ناشی شده است که مردم آن را در سیمای لگام گسیختگی اخلاقی و ستیز با ارزش های دینی دیده اند.

اما مردم هرگز در کار آمد بودن و حیاتی بودن ارزش های راستین و بنیادین دموکراسی از قبیل انتخابات و پارلمان و حقوق سیاسی و شهروندی افراد شکی ندارند و بلکه آن را از صمیم آموزه های دینی اسلام و استبداد ستیزی را از تعالیم همهٔ پیامبران می دانند. لذا پیشنهاد نسخهٔ دیکتاتوری از سوی آقای کولز نه با تجربهٔ جهان غرب هم خوانی دارد و نه با تعالیم و ارزش های جامعهٔ افغانستان، و این نسخهٔ آقای کولز تنها می تواند چهرهٔ استعماری کهن بریتانیا را در اذهان زنده کند و همه شعارهای انسانی آن را تحت سؤال قرار دهد.

آنچه بحران را می تواند در افغانستان پایان بخشد نه دیکتاتوری بلکه یک نظام دموکراسی راستین است که بر عدالت و برادری و برابری استوار و با فرهنگ و ارزشهای دینی جامعهٔ افغانستان هماهنگی داشته باشد.

چیزی که همواره از سوی خارجیان در حل بحران افغانستان از آن غفلت شده است.

وضعیت زنان افغانستان

و راهکارهای چند برای بهبودی آن

زیباکی

افغانستان کشوری است که در آن اقشار مختلف با بافت های مختلف فرهنگی، نژادی، جنسیتی، مذهبی، سیاسی و... زندگی می کنند که گفته می شود بیش از نصف کل جمعیت افغانستان را زنان تشکیل می دهند. اما متأسفانه زنان افغانستان در طول تاریخ محرومیت های زیادی را متحمل گردیده اند.

اما در شرایط کنونی که جامعه بین المللی و فعالان سیاسی درافغانستان برای دست یابی زنان افغانستان به حقوق شان مبارزه می کنند چه تحولی در زندگی زنان افغانستان رو نما شده است؟ آیا زنان در سراسر افغانستان به حقوق اولیه شان دست یافته اند؟ این پرسش هایی است که در محور آن می خواهم وضعیت کنونی زنان را در افغانستان و بعد از تحول جدید سیاسی این کشور ارزیابی کنم.

در این شکی نیست که زنان هم مانند مردان جزء از بشریت و در افغانستان نیز جزء از ملت ما به شمار می آیندکه پیوند جدا ناپذیر با تاریخ، فرهنگ، تمدن، زبان وادبیات و سایر ارزش های این سرزمین دارند. همچنان بدون وجود زنان اصلاً اساس خانواده، اجتماع، ملت، دولت و بشریت تکوین نمی یابد چنانکه بدون مردان هم شیرازهٔ زندگی جوامع بشری از هم می پاشد. یعنی زن و مرد در تمام ابعاد زندگی پیوند مشترک از هم جدا ناپذیردارند.

در چند سالی که پس از تحول سیاسی جدید گذشت، کارهایی به نفع زنان صورت گرفته است، اکنون در برخی از مناطق کشورما زنان در امورسیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی سهم دارند، دختران حق مکتب رفتن را به دست آورده اند، خدمات صحی برای زنان بیشتر شده است، ازدواج های اجباری و قبل از وقت کاهش یافته، همچنان زنان به محاکم و نهاد های مدنی مدافع حقوق زنان دست رسی دارند، اما متاسفانه این تحول محدود به بخش هایی محدودی از کشور منحصر می باشد، درحالی که در سایر مناطق افغانستان وضعیت زنان، علاوه برآن که بهبودی نیافته است، بدتر نیز شده است.چنانچه در بسیاری از مناطق به دلایل مانند ناامنی و حاکم بودن سوم قبیله یی و... زنان و دختران حق رفتن به مکتب را ندارند، طبق احصائیهٔ کمیسیون حقوق بشر ۸۵ درصد زنان در افغانستان فاقد سواد می باشند، اما در حصهٔ رفع این مشکل توجهی صورت نگرفته است.



در این شکی نیست که زنان هم مانند مردان جزء از بشریت و در افغانستان نیز جزء از ملت ما به شمار می آیندکه پیوند جدا ناپذیر با تاریخ، فرهنگ، تمدن، زبان وادبیات و سایر ارزش های این سرزمین دارند

****

اما مشکل زنان تنها به این موارد خلاصه نمی شود بلکه، عدم تطبیق قانون، عدم آگاهی زنان از حقوق شان، حاکمیت ضعیف دولتی در محلات و فساد اداری در دستگاه های دولتی از مواردی است که بر سر راه رشد زنان موانع آفریده است و زنان نمی توانند، در برابر چالش هایی که با آن رو به رو هستند مبارزه کنند.

عدم خدمات صحی نیز از دشواری های دیگر زنان است که متاسفانه تا کنون حل ناشده باقی مانده است، زنان به خدمات صحی لازم دست رسی ندارند، چنان که نهادهای دفاع از حقوق زنان می گویند به طور متوسط در هر ۳۰ دقیقه ۱ زن در اثر مسائل بارداری جان می دهد، که رقم این مرگ ها از هر ۱۰۰۰ نفر ۱۶ تن می شود که ۶۰ برابر کشورهای صنعتی است، در حالی که ۸۰ درصد این مرگ ها در صورت موجودیت کلینک ها ومراکز صحی و نرس قابله ها قابل پیشگیری می باشد.

اما مشکل زنان تنها به این موارد خلاصه نمی شود بلکه، عدم تطبیق قانون، عدم آگاهی زنان از حقوق شان، حاکمیت ضعیف دولتی در محلات و فساد اداری در دستگاه های دولتی از مواردی است که بر سر راه رشد زنان موانع آفریده است و زنان نمی توانند، در برابر چالش هایی که با آن رو به رو هستند مبارزه کنند.

دولتمردان ما باید با اتخاذ سیاست های مناسب حجم و شدت فقر و نابرابری در جامعه را کاهش دهند و با زمینه سازی برای گسترش فعالیت فرهنگی برای بهبود وضعیت زنان، مشارکت مردم در راستای بهبود وضعیت زنان و... تلاش به خرج دهند و نا امیدی و یأسی را که به قشر اناث کشورما از وضعیت فعلی رخ داده است از بیین ببرند

اما با توجه به این همه دشواری هایی که در برابر رشد زنان در افغانستان وجود دارد، چه راه هایی برای توقف این روند منفی وجود دارد و کدام ابزار می تواند به آن نقطه پایان بگذارد؟

شاید راه های زیادی وجود داشته باشد ولی به باور نگارندهٔ این سطور استفاده از شیوه های زیر می تواند تا حدودی وضعیت زنان را بهبود بخشد:

❖ **گسترش فعالیت های فرهنگی:** در این عرصه می توان با ایجاد رسانه ها و تبلیغات به منظور روشن سازی اذهان عامه استفاده کرد، جایگاه زن در جامعه، حقوق زن و کرامت انسانی وی، و سایر نکات اساسی که به وضعیت زنان تعلق می گیرد، با استفاده از مطبوعات و رسانه ها به مردم رسانیده شود.

❖ **تقویه حاکمیت دولتی:** منظور از تقویهٔ حاکمیت دولتی به خصوص در ولایات دور دست این است که فساد اداری نابود شود، افرادی در بسیاری از ولایات دور دست به چوکی های دولتی تکیه بزنند که به حقوق زن به عنوان یک انسان باور داشته باشند و محاکم از وجود فساد و انارشیزم پاک شود.

❖ **سهم گیر علمای دینی:** نقش علمای دینی در این عرصه بسیار مهم است، زیرا علمای دینی می توانند مردم را از حقوق انسانی زن از دیدگاه دین مقدس اسلام آگاه ساخته و آن را برای مردم توضیح دهند.

❖ **افزودن مضامینی مرتبط به امور زنان در مکاتب:** همچنان یگانه راه مؤثری که می تواند ذهنیت ها را به مرور زمان تغییر دهد، رشد آگاهی های زنان می باشد. از سوی دیگر معلمان باید در این کار سهم بیشتر بگیرند و از طریق شاگردان در روشنگری ذهنیت خانواده ها کار کنند. اما فراموش نباید کرد که آنچه که در آموزش موضوعات مرتبط به حقوق زن و مرد مهم است، در نظر داشت ارزش های دینی باشد. آنهایی که این موضوعات را به شاگردان و به دیگ[illegible] آموزش می دهن[illegible] باید متوجه تعالیم دینی، [illegible] های فرهنگی و اجتماعی با[illegible]ند. چنانچه این موضوع هنگام تبلیغ و آموزش موضوعات حقوق زن و تساوی زن و مرد از سوی بسیاری از نهادها در نظر گرفته نمی شود و حساسیت مردم را بر می انگیزد که این کار با توجه به ناتوانی و ضعف دولت کنونی، نا امنی و بی ثباتی، فقر و مشکلات اقتصادی روند بهبودی وضعیت زنان در کشور را به رکود مواجه می سازد.

❖ **از بین بردن فقر و مشکلات اقتصادی خانواده ها:** معضل فقر تنها یک مسألهٔ اقتصادی نیست بلکه گسترش آن همانگونه که باعث شکاف و ایجاد فاصله بین مردم و دولت می گردد باعث شکاف بین زندگی شرافتمندانه و کار شرافتمندانه نیز می گردد و این امر در پهلوی این که موجب نا امنی، بی ثباتی و ناهنجارهایی دیگر می شود، موجب از هم پاشیدن خانواده ها که منتهی به روی آوردن زنان به تگدی گری و فحشا و فساد اخلاقی می شود.

در اخیر باید گفت که در پهلوی راهکارهای فوق راهکارهای دیگری نیز مانند مبارزه از بین بردن نا امنی و بی ثباتی، مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر و... نیز وجود دارد که دولتمردان ما باید با اتخاذ سیاست های مناسب حجم و شدت فقر و نابرابری در جامعه را کاهش دهند و با زمینه سازی برای گسترش فعالیت فرهنگی برای بهبود وضعیت زنان، مشارکت مردم در راستای بهبود وضعیت زنان و... تلاش به خرج دهند و نا امیدی و یأسی را که به قشر اناث کشورما از وضعیت فعلی رخ داده است از بیین ببرند.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ نزدهم شنبه ۲۰ میزان ۱۳۸۷- ۱۰ شوال المکرم ۱۴۲۹ - 11- October 2008

ناتو در مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر شرکت می کند



وزیران دفاع کشورهای عضو ناتو در اجلاس خود به روز جمعه ۱۹ میزان در مجارستان به نیروهای خود در افغانستان اجازه دادند عملیات برای مقابله با تاجران مواد مخدر در این کشور را به منظور قطع منبع درآمد شورشیان طالبان آغاز کنند.

این نخستین بار است که ناتو با مشارکت مستقیم نیروهای خود در عملیات نظامی علیه تجارت مواد مخدر در افغانستان موافقت می کند.

امریکا که در گذشته از دخالت ناتو در مقابله با تولید و تجارت تریاک در افغانستان حمایت نموده گفته است که وزیر دفاع امریکا از تصمیم روز جمعه وزیران دفاع ناتو، به گرمی استقبال کرده است.

آقای گیتس گفته است که با این تصمیم، واحدهای ناتو در افغانستان علیه کسانی وارد عملیات می شوند که باعث ادامه شورش، بی ثباتی افغانستان و کشتن نظامیان افغان و خارجی می شوند.

گفته می شود که طالبان از تجارت تریاک در آمد قابل توجهی به دست می آورند و آن را در جنگ به کار می برند.

چند روز قبل یاپ دهوپ شفر، دبیرکل پیمان ناتو، گفته بود نیروهای ما با سلاح هایی کشته می شوند که طالبان با استفاده از پول حاصل از مواد مخدر به دست می آورند.

سخنگوی ناتو گفته است که عملیات نظامی این سازمان علیه تاجران مواد مخدر و امکانات مورد استفاده آنان با همکاری نیروهای افغان به اجرا در خواهد آمد و پس از آمادگی این نیروها، مسئولیت کامل اینگونه عملیات به آنان سپرده خواهد شد.

در گذشته برخی از کشورهای عضو ناتو، مانند آلمان نسبت به گسترش ماموریت نیروهای این سازمان به مبارزه با تجارت تریاک موافقت نداشتند و ظاهرا پس از درخواست مقامات افغان، با این تصمیم موافقت کردند.

عملیات ناتو علیه تولید کنندگان و تاجران تریاک به صورت آزمایشی به اجرا گذاشته می شود و وزیران کشورهای عضو این پیمان در جلسه خود در ماه فوریه سال اینده، نتیجه این عملیات را ارزیابی و در مورد ادامه آن تصمیم گیری خواهند کرد.

امسال افغانستان با برداشت ۷۷۰۰ تن تریاک مواد مخدر جهان را تولید نمود.

در حال حاضر مسئولیت اصلی مبارزه با تجارت مواد مخدر در کشور عمدتا بر عهدهٔ پلیس می باشد.

وزیر دفاع امریکا:

دلیلی ندارد در افغانستان پیروز نشویم



وزیر دفاع آمریکا اظهارات یک جنرال بریتانیایی را که گفته بود پیروزی قطعی در مبارزه علیه طالبان در افغانستان ممکن نیست بدبینانه خواند و آن را رد کرد.

رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا در حالی اظهارات ژنرال بریتانیایی را در مورد عدم پیروزی در جنگ با طالبان رد کرد که عازم بوداپست برای دیدار با وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو بود.

گیتس گفت: "با وجود آنکه ما در افغانستان با چالش های قابل ملاحظه ای روبرو هستیم، هیچ دلیلی وجود ندارد که بدبین باشیم و یا فرصت های را که برای پیروزی دراز مدت در اختیار داریم، دست کم بگیریم."

با این حال آقای گیتس از گفتگو با مخالفین دولت افغانستان اعلان حمایت نمود و گفت که بخشی از راه حل برای بحران کنونی در افغانستان، گفتگو با آن اعضای گروه طالبان است که تمایل به همکاری با دولت افغانستان دارند.

او با اشاره به تجربه همکاری گروه های سنی مذهب عراق که در آغاز علیه دولت می جنگیدند و بعداً با نیروهای امریکایی همکاری کردند گفت: "آنچه را که ما در عراق دیده ایم، در افغانستان نیز انجام می شود."

آقای گیتس افزود: "بخشی از راه حل تقویت نیروهای امنیتی افغانستان است و بخشی دیگر آشتی و مصالحه با افرادیست که می خواهند با دولت افغانستان یکجا کار کنند."

وزیر دفاع آمریکا همچنین گفت که یکبار دیگر از وزرای دفاع کشورهای عضو ناتو در جریان دیدار در مجارستان، مصرانه درخواست خواهد کرد تا نیروی بیشتر به افغانستان اعزام کنند.

در حال حاضر اظهارات بی سابقه در جهت حمایت از گفتگو با مخالفان مسلح دولت و راه حل سیاسی از سوی مقام های کشورهای اروپایی عنوان گردیده است، جدی ترین این اعلان حمایت اظهارات یک جنرال انگلیسی بود که گفتگو با طالبان را یگانه راه حل بحران در افغانستان خواند.

حادثهٔ پوهنتون بلخ به روایت نمایندگان محصلین

نذر الله عنایت

درپی حادثه دانشگاه بلخ که درآن تعدادی ازدانشجویان به اتهام اقدام خودسرانه مبنی بر نصب لوحهٔ "دانشگاه بلخ" لت وکوب وبازداشت شدند ، مقامات مسؤول درآن ولایت حرکت دانشجویان رامحکوم نموده احزاب سیاسی را متهم به دست داشتن نمودند.

اماتعدا دی ازنمایندگان محصلین که به کابل آمده بودند درگفتگو با خبرنگار مجاهد از رخداد دانشگاه روایات دیگری ارائه نمودند:

نوش آذر رستاقی دانشجوی حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه بلخ می گوید: عده یی خواستند به هدف تحکیم وحدت فرهنگی و زبانی، در پهلوی لوحهٔ پوهنتون تابلوی دانشگاه را به زبان دری نصب کنند که این اقدام گرچند که درتفاهم بامقامات بود اما بعد ازچند دقیقه با واکنش پولیس و نیروهای امنیتی برخوردیم، به گفتهٔ وی این واکنش بسیار تند بود و از قوهٔ قهریه به صورت گسترده یی در برابر محصلین استفاده شد. دانشجویان را لت وکوب کردند و وارد اتاق ها شده مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعدادی را با خود بردند و یک شب دربند بودند در حالی که هیچ جرمی را مرتکب نشده بودند.

آقای نوش آذر افزود: دانشجویان تصمیم گرفتند ما را به عنوان نماینده های شان به کابل بفرستند

ادامه درص ۳

رویداد های مهم هفته

افزایش کمیت ارتش ملی

ژنرال عبدالرحیم وردگ وزیر دفاع ملی روز یکشنبه ۱۴ میزان پس از بازگشت از امریکا در یک کنفرانس خبری در کابل گفت که مبارزه با طالبان راه حل نظامی ندارد. آقای وردگ همچنان از افزایش اردوی ملی خبر داد و گفت که تا دو ماه دیگر تعداد عساکر اردوی ملی به هشتاد وشش هزار نفر می رسد و این میزان تا سال ۲۰۱۲ به ۱۳۴ هزار نفر خواهد رسید.

حملهٔ انتحاری در هرات

یک حمله کنندهٔ انتحاری روز یکشنبه ۱۴ میزان در ولسوالی گذرهٔ ولایت هرات کاروان نیروهای ارتش ملی را آماج قرارداد اما به نیروهای ارتش ملی آسیبی نرسید. سخنگوی پلیس هرات گفته است که دراین حادثه فرد انتحار کننده کشته شده و سه طفل مجروح شده اند.

ولسوال گذره به رسانه ها گفته است از پارچه های متلاشی شدهٔ بدن انتحار کننده معلوم می شود که وی شهروند خارجی است.

کشته شدن ۲۶ تن در حادثهٔ ترافیکی

بر اثر تصادم دو عراده موتر نوع ۳۰۳ مسافر بری روز دوشنبه ۱۵ میزان در شاهراه کابل- مزارشریف در ولسوالی دوشی ولایت بغلان ۲۶ کشته و ۳۶ تن دیگر مجروح گردیدند. جاوید بشارت سخنگوی فرماندهی پلیس بغلان گفته است که در میان کشته شدن شش زن و شش کودک شامل می باشد. مجروحان حادثه به درمانگاه های ولایت بغلان منتقل شده اند.

تخریب یک بنای تاریخی در هرات

مسؤولان ریاست اطلاعات و فرهنگ ولایت هرات روز شنبه ۱۲ میزان از تخریب یک مسجد که قدامت تاریخی ۷۰۰ ساله داشت خبرداده اند.

نعمت الله سروری رئیس فرهنگ ولایت هرات به رسانه ها گفته است که مردم محل به دستور ملاامام مسجد مذکورشب هنگام این مسجد را بدون درجریان گذاشتن ریاست اطلاعات وفرهنگ هرات به بهانهٔ جامع ساختن مسجد تخریب کرده اند.

گرفتاری چهار عضو شبکهٔ حقانی درخوست

نیروهای خارجی مستقر درافغانستان روز جمعه ۱۱ میزان با انتشار خبرنامه یی از بازداشت چهارتن از اعضای شبکهٔ تروریستی حقانی در ولایت خوست خبر داده اند.

درخبرنامه گفته شده است که در میان بازداشت شدگان از یک تن از اعضای ارشد این گروه شامل می باشد.

پخش خبر شیوع مرض کولرا جنبهٔ سیاسی دارد

داکتر محمد امین فاطمی وزیر بهداشت روز یکشنبه ۱۴ میزان در یک نشست خبری در کابل گفت که پخش خبر شیوع مرض کولرا در هنگام رسیدن حاصلات میوه جنبه سیاسی دارد و برخی کشورها در این مساله دخیل هستند. وزیر صحت عامه از کشور مشخصی نام نبرد.

وزارت داخله به بیرون از شهر انتقال می کند

گفته می شود وزارت امور داخله به خاطر کاهش ازدحام ترافیکی و باز شدن جاده های مقابل این وزارت به بیرون از شهر انتقال داده می شود، داکتر عبدالحکیم عاشر مسؤول مطبوعات و روابط عامه وزارت داخله این خبر را تایید کرده و گفته است که عملی شدن این پلان زمانی را در بر خواهد گرفت، همچنان مسؤولان این نهاد تا کنون جای مشخصی را تثبیت نکرده اند.

ادامه درص ۶